

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۱ جنوری ۲۰۲۳

ادبیات مارکسیستی به زبان ساده و مختصر

حزبیت ماتریالیسم تاریخی

ماتریالیسم تاریخی را متفکران و ایدئولوگ‌های پرولتاریا پایه گذارند و جز این هم نمی‌توانست باشد. قوانین تکامل اجتماعی، در عمل خود، همیشه با موجودیت و منافع طبقات کهنه و ارتجاعی یا با طبقاتی که دوران خود را پیموده و رو به زوال می‌روند برخورد پیدا می‌کند. قوانین تکامل اجتماع، در عمل خود، ناگزیر نظام کهنه و طبقات کهنه را می‌رویند و به جای آن نظام نو و طبقات مترقی را می‌نشانند. البته چنین قوانینی با روحیه طبقات ارتجاعی کهنه، که به هیچ وجه قصد ندارند صحنه تاریخ را رها کنند، سازگار نیست، زیرا این قوانین به اضمحلال و نابودی آنها حکم می‌دهد. همین امر موجب می‌گردد که آنها به کشف این قوانین علاقه نشان نمی‌دهند یا با آنها، با عمل آنها به مقابله برمی‌خیزند.

تا زمانی که بورژوازی در جامعه نقش مترقی بازی می‌کرد و برای استقرار نظام نوین و مترقی سرمایه‌داری با طبقه فئودال و اشراف در مبارزه بود متفکران آنها در زمینه علوم اجتماعی به اکتشافاتی نائل آمدند و در راه بررسی قوانین تکامل جامعه گام‌هایی برداشتند ولی همین که به حکم این قوانین معلوم گردید که جامعه سرمایه‌داری ابدی نیست و باید جای خود را به جامعه دیگری بسپارد، همین که معلوم گردید که طبقه انقلابی پرولتاریا گورکن بورژوازی است و بورژوازی باید جای خود را به طبقه انقلابی پرولتاریا واگذارد، آنگاه بورژوازی و ایدئولوگ‌های وی به نفی وانکار قوانین اجتماعی پرداختند، به جای کشف قوانین جامعه و تکامل آن به تحریف و قلب این قوانین دست زدند، در برابر عمل این قوانین با سرسختی به مقابله برخاستند و همواره با تمام نیروهای عظیم خود می‌کوشند از مبارزه طبقاتی جلو گیرند. چنین است منطق بورژوازی و جوهر جامعه شناسی وی، جز این هم نمی‌تواند باشد.

در چنین شرایطی، آن طبقه ای به کشف این قوانین تکامل جامعه علاقه مند است و از تکامل و پیشرفت جامعه، از کشف قوانین آن باکی ندارد و حتی قوانین مکشوفه را برای تسریع جریان تکامل مورد استفاده قرار می‌دهد، آن طبقه ای که در حفظ نظام کهنه ذینفع نیست، به عکس برانداختن و جانشین ساختن آن با نظام نو و مترقی به سود او است، چنین طبقه ای در جامعه سرمایه‌داری طبقه کارگر است. بنابراین جای شگفتی نیست اگر کشف قوانین جامعه و تکامل آن و ایجاد جامعه شناسی علمی فقط بادیست متفکران و ایدئولوگ‌های مترقی ترین و انقلابی ترین طبقه جامعه یعنی طبقه کارگر توانست جامعه عمل ببوید.

حزبیت ماتریالیسم تاریخی در اینست که این علم متعلق به پرولتاریا است، بخشی از جهان بینی طبقه کارگر است، تئوری مبارزه پرولتاریا و همه زحمتکشان به خاطر ساختمان و استقرار جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است. تکامل جامعه سرمایه داری جز حرکت به سوی سوسیالیسم و کمونیسم نیست. از این رو قوانین تکامل جامعه با منافع و آرمان‌های طبقه کارگر هم آهنگی کامل دارد، شناخت کامل این قوانین به وی امکان می‌دهد که از آنها در جهت تحقق منافع و آرمان‌های خویش استفاده کند. از اینجا چنین نتیجه می‌شود که حزبیت ماتریالیسم تاریخی و بطور کلی ایدئولوژی پرولتاریا با علمیت در انطباق کامل است، حزبیت ضامن معرفت علمی، معرفت عمیق، عینی، همه جانبه و کمال به واقعیت جامعه و قوانین زندگی اجتماعی است. با این ترتیب طبقه کارگر جهان بینی خود را نمی‌پوشاند زیرا که از کشف حقیقت نمی‌ترسد، در تضاد با قوانین و گرایش‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد، زیرا چرخ زمان به سود وی می‌گردد، آینده از آن اوست.

تنها ماتریالیسم تاریخی و بطور کلی ایدئولوژی طبقه کارگر نیست که خصلت طبقاتی و حزبی دارد. جهان بینی و ایدئولوژی بورژوازی نیز دارای چنین خصلتی است. اما بورژوازی خصلت طبقاتی ایدئولوژی خود را می‌پوشاند زیرا این ایدئولوژی در خدمت استثمار اقلیتی از اکثریت عظیم جامعه است.

ایدئولوژی‌های بورژوازی، جامعه شناسی بورژوائی را فاقد جنبه طبقاتی، در خارج از طبقات و مافوق طبقات می‌نمایند. اما هنگامی که سخن بر سر موضوعاتی مانند ارزش اضافی، استثمار، مبارزه طبقاتی، دولت و حقوق و انقلاب است چگونه می‌توان در باره آنها از فقدان خصلت طبقاتی یا حزبی سخن گفت. آیا در جامعه طبقاتی انسانی را می‌توان یافت که مافوق طبقات باشد و در حل این موضوعات به این یا آن شکل ذینفع نباشد؟ البته از بورژوازی و دیگر طبقات کهنه و ارتجاعی جز این هم انتظار نمی‌توان داشت. ایدئولوژی و جهان بینی بورژوائی و از آن جمله جامعه شناسی بورژوائی دارای خصلت طبقاتی و حزبی است و وظیفه آن دفاع از موجودیت و منافع این طبقه، دفاع از نظام سرمایه داری است و بهمین علت است که در تضاد با قوانین تکامل طبیعت و جامعه است، به قلب و تحریف قوانین تکامل جامعه می‌پردازد و اصولاً امکان معرفت به قوانین طبیعت و اجتماع را نفی می‌کند. حزبیت بورژوائی علم را به دنیای ذهنی‌گری و به تحریف واقعیات و در نتیجه به طرد علم می‌کشانند.

ماتریالیسم تاریخی به احزاب طبقه کارگر امکان می‌دهد که گذشته و حال را بشناسند، واقعیت موجود را بدرستی دریابند و براساس واقعیات جهت حرکت تحولات جامعه را به بینند و فعالیت خود را در راه صحیح سوق دهند. در این زمینه وحدت علم با عمل، وحدت تئوری با پراتیک، ستاره راهنمای کلیه احزاب کمونیست است. ماتریالیسم تاریخی آنگاه می‌تواند تاثیر انقلابی خود را ببخشد که به پدیده‌های اجتماعی برخورد مشخص تاریخی داشته باشد، از هرگونه برخورد ذهنی و دگماتیک بپرهیزد. فقط برخورد مشخص و تاریخی، برخورد خلاق، عاری از دگماتیسم و ذهنی‌گری ماتریالیسم تاریخی را به پیش می‌راند و تکامل می‌بخشد.

ماتریالیسم تاریخی در احزاب کارگر، در طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان اعتماد راسخ ایجاد می‌کند که سرانجام کار و زحمت بر سرمایه غلبه خواهد کرد، استثمار از جهان رخت بر خواهد بست و جامعه کمونیستی جامعه ای آزاد، آباد و شکوفان بر خواهد خاست.